



در نظام آفرینش و روابط اجتماعی انسانها

مجله جهاد می‌کوشد که در حد توان خود با روشن نمودن معانی اصطلاحات و واژه‌های فرهنگ اسلام، بخشی از وظیفه و مسئولیت خود را به انجام رسانده باشد. در شماره‌های گذشته واژه‌هایی همچون «ملاء»، «مترفع»، «استضعاف» و توضیح داده شده بود و در این شماره به توضیح واژه «قسط» می‌پردازیم، و از صاحب نظران تقاضای ارشاد و راهنمایی جهت رفع نواقص و کاستی‌ها را داریم.

لفظی، یک «بار فرهنگی» و «معنی عمیق خاص» وجود دارد که مکتب باید آن معنی را توضیح دهد و از اینرو ما ناچاریم برای شناخت مکتب اسلام از زبان و واژه‌های خاص اسلام شروع کرده و پس از در یافت معنی آن، آنها را بکار بندیم، و با توجه به تاکید امام بر اینکه «طلاب علوم دینی و دانشجویان باید دقیقاً روی مبانی اسلام کار کنند» اهمیت مسئله و عظمت وظیفه‌ای که بردوش صاحب نظران و دست اندرکاران مسائل فرهنگی، می‌باشد، مشخص می‌گردد، از اینرو

برای ترک اصولی و اساسی هر مکتبی، ناچار باید «زبان» و «اصطلاحات خاص» آن مکتب را بخوبی دریافت و از زبان و اصطلاحات آن مکتب بمعرفی و تفهیم یاد کرد و کاربرد آن، پرداخت و اگر چنین نباشد و بخواهیم با واژه‌ها و اصطلاحات مکتب دیگر، وارد مکتب مورد نظر شویم، آن مکتب را مخلوش ساخته و خود دچار انحراف و لغت‌خوار خواهیم شد، زیرا در هر واژه و اصطلاح علاوه بر معنای

فطرت بدون افراط و تفریط رفتن، و قرار دادن هر چیزی در جایگاهش آمده است (۱) و آیه... طالقانی قسط را به این معنی می‌داند که: «هر انسان با استعدادهای خاص و امکاناتی که دلورده در محل و موقع متناسب و شایسته خویش قرار گیرد و حق را که در این سیاره زمین و سفره گسترده طبیعت و در این گهواره آفرینش برای هر انسانی شناخته شده

عدل آمده است و قاسط نیز اسم فاعل بهمین معنی می‌باشد قسط در باب افعال نیز بمعنی عدل آمده است مقسط و مقسطین نیز از این باب و بهمین معنی می‌باشد. در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۱۸ آل عمران، شهیدالله انه لا اله الا... فاتمما بالقسط قسط را بعنوان صفت خداوند و بمعنی عدل و بر راه آفرینش و راه

برای یافتن معنی قسط ابتدا، به لغت مراجعه کرده و معنی آنرا در لغت می‌جوئیم: در بیشتر کتابهای لغت، قسط به عدل ترجمه شده است اقرب الموارد می‌گوید: «القسط بالمعدل، همینطور در کتاب مجمع البحرین و در التاج: قسط قسطا و القسط الالهی، کائن خلقاً که قسط بمعنی عدل گرفته شده است البته قسط (بفتح قاف) بمعنی جور و ضد

است. اداء و یا آن را بدست آورده. (۲)
 قسط در قرآن حدوداً پانزده مورد آمده است و در نهج البلاغه و حدیث نیز بارها به آن اشاره شده است. قسط در قرآن معمولاً همراه بالفظ دیگری آمده است: قیام به قسط (قَائِمًا بِالْقِسْطِ قَوْمِیْنَ بِالْقِسْطِ لَیْقَوْمُ النَّاسِ بِالْقِسْطِ ...)، امر بقسط، قضاوت به قسط، حکم، شهادت و وفاء به قسط

قسط در نظام آفرینش و «تکوین»

قرآن هدف اساسی از فرستادن رسولان و «کتاب» و «میزان» را قیام مردم به قسط می‌داند و می‌فرماید: «مانا ما رسولانمان را فرستادیم با دلائل روشن و با آنان «کتاب» و «میزان» را فرستادیم تا مردم «قسطه را بپا دارند...» (۳)

قرآن همچنین روز قیامت و جهان بازپسین را براساس قسط می‌داند و می‌فرماید: «و ما موازین قسط را برای روز قیامت خواهیم نهاد و ستمی به هیچ کسی نخواهد شد و اگر عملی به اندازه دانه خردلی باشد بحساب خواهیم آورد...» (۴)

این مسئله در نهج البلاغه امام علی (ع) نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «لِأَنَّ حَقَّ الرَّاحِقَةِ... وقتیکه زمین سخت بلرزد و با سختیهای آن قیامت محقق گردد... در آن هنگام حتی نظر انداختن در هوا و قدم گذاردن در زمین جزاء داده نشود مگر براساس عدل و قسط...» (۵)

قسط در روابط اجتماعی و نظام «تشریح»

خداوند در قرآن امر بقسط می‌فرماید و این مسئله چند مورد در قرآن آمده است از جمله: «قُلْ أَمْرٌ رَبِّیْ بِالْقِسْطِ... بگو، پروردگام امر بقسط فرموده است و نیز اینکه در هر عبادت رو به سوی او آرید و خدا را از روی اخلاص بخوانید...» (۶) همچنین در سوره الرحمن آیه ۹ و هود آیه ۸۵ و انعام آیه ۱۵۲

گفاریکه پیامبران و امرین به قسط را می‌کنند عذاب دردناکی در انتظارشان خواهد بود (۷)
 قیام بقسط و شهادت برای خدا و قیام برای خدا و شهادت به قسط از نکات جالبی است که در اینمورد در قرآن وجود دارد. در سوره نساء آیه ۱۲۵ می‌خوانیم که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ بَيْنِهِمْ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید بپادارنده قسط باشید و برای خدا، شهادت دهید... و در سوره مائده آیه ۸ می‌خوانیم که:
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا پادار باشید و به قسط شهادت دهید.

که در این دو آیه مسئله بپا داشتن قسط و شهادت به قسط معادل پایداری در راه خدا و شهادت برای خدا آمده است، البته در دنباله آیه اخیر به یکی

از مسائلی که در دنباله قسط و عدل پیش می‌آید و آن عداوتها و سرزشتها و اعتراضات است، اشاره کرده و می‌فرماید:

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا

«و مبدا که عداوت و دشمنی گروهی شما را بر آن بدارد که عدالت نوزید، عدالت کنید که به تقوی نزدیک تر است و تقوی خدا را پیشه کنید که خداوند به اعمال شما آگاه است.»

در این مطلب و آیات قبلی مشخص می‌شود که قاتلین بپا دارندگان قسط همان قاتلین پیامبران هستند و مؤمنین نیابستی در مسیر بپا داشتن قسط و شهادت بقسط از سرزشتها و عداوتها بترسند، زیرا که خداوند به همه چیز آگاه است و بپا داشتن قسط و عدل به تقوی نزدیک تر است و مؤمنین مکلف به آن هستند.

در حکم و قضاوت باید به قسط حکومت نمود. در پایان آیه ۴۲ سوره حدید می‌فرماید:

وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

«و اگر در بین آنان حکم نمودی، پس به قسط حکم نما، زیرا خداوند آنان را که عدل و قسط حکم کنند، دوست می‌دارد.»
 امر بقسط و پایبندی به آن یکی از علامت ذکر خداست:
 امام علی (ع) در خطبه ۲۱۳ نهج البلاغه در تفسیر آیه رِجَالٌ لَا تُلَهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ،

پس از ذکر توضیحاتی در مورد ذکر و یادآوری خداوند در مورد «اهل ذکر» و صفات آنان جملاتی می‌فرماید و یکی از صفات اهل ذکر را چنین بیان می‌فرماید: «يَا مُرُؤُونَ بِالْقِسْطِ وَيَا مُرُؤُونَ بِهِ (۸) اهل ذکر امر بقسط نموده و خودنیز آنرا تعظیم می‌دهند یعنی تنها شعارقسط و عدل دادن کتابت نمیکنند بپا داشتن قسط از سوی دیگران نیز، انسان را داخل بندگان خدا نمیکنند، بلکه بایستی هم شعار قسط و عدل داد و هم دیگران را به برپائی قسط و عدل دعوت نمود و هم خود در تمامی ابعاد و زوایای زندگی بر پا دارنده قسط باشیم و در اینصورت است که از اهل ذکر بحساب خواهیم رفت و این است گوشه‌ای از معنای عمیق «ذکر» در دیدگاه امام علی (ع).

قسط و عدل سرنوشت نهائی بشریت بر اساس آنچه ما از «مکتب» آموخته‌ایم و بر اساس دیدگاههای تشیع از مسئله «غیبت» و «انتظار» و «ظهور آخرین امام» فردای بشریت و سرنوشت نهائی انسان بر روی کره خاکی، بسیار درخشان و روشن است. بشریت در انتظار ظهور آخرین امام و برپائی قسط و عدل در سراسر گیتی می‌باشد و این وعده‌ای که خداوند در قرآن قبل و حتی قبل از اسلام به بشریت گرفتار در چنگال ظلم و بیعدالتی داده است که: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» «و ما بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته‌ام ارث برنده» (۹)

و این وعده‌ای است که پیامبر اسلام و ائمه معصومین داده‌اند که بَعْدَ مَا كُنْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، بعد از آمدن امام مهدی «عج» زمین بر از «عدل» و «قسطه خواهد شد، بعد از اینکه از ظلم و جور، لیریز شده باشد، و چنین است که پیروان دین خدا و پیروان پیامبر خاتم «ص» و منتظرین واقعی ظهور حجت حق، مهدی «عج» بایستی هرچه بیشتر در برپائی قسط در جهان بکوشند و زمینه های ظهور را هرچه بیشتر فراهم نمایند، و شعار «قسطه و عدل» به «قسطه را اهل ذکر» بعنوان یکی از شرایط «ذکر» آنگونه که امام علی (ع) فرمود، تلقی نموده و در راه برپائی آن بکوشند، درود خدا بر تمامی عدالتجویان و برپا کنندگان قسط و عدل، سلام خدا و مؤمنین بر تمامی رسولان و اهلان و درود بی پایان بر منجی بشریت و برپا دارنده قسط در بهت گیتی، امام مهدی «عج».

والسلام

- (۱) - المیزان عربی جلد ۳ - ص ۱۱۹-۱۲۰
- (۲) - قیام به قسط ص ۸۱
- (۳) - سوره حدید - آیه ۲۵
- (۴) - سوره انبیاء آیه ۲۷ و همچنین سوره یونس آیه ۵۴
- (۵) - نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۲۱۴
- (۶) - سوره اعراف - آیه ۲۹
- (۷) - آل عمران آیه ۲۱
- (۸) - نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۲۱۲
- (۹) - سوره انبیاء آیه ۱۰۵

